

مؤلفه‌های ساختاری ثبات قدم براساس منابع اسلامی، تدوین یک مدل مفهومی

h.a.safaripsy@gmail.com

mirderikvandi@qabas.net

ym.abbasi@gmail.com

حجت‌اله صفری / دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

کج رحیم میردريکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مهدي عباسی / استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

چکیده

این پژوهش، با هدف تدوین مدل مفهومی «ثبات قدم» براساس منابع اسلامی انجام شد. در این پژوهش، برای تحلیل مدل مفهومی ثبات قدم، از جملات توصیفی - تبیینی منابع اسلامی، از روش تحلیل محتوا و برای تبیین ساختار مفهومی ثبات قدم، از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. بدین منظور، به‌واسطه واژگان و مفاهیم جمع‌آوری شده در حوزه معنایی ثبات قدم، جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با موضوع در متون اسلامی جست‌وجو و انتخاب شدند. برای تعیین مؤلفه‌های مفهومی و عملیات مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی، مضمون‌های اصلی متون انتخاب شدند. در بررسی روایی محتوای مؤلفه‌های استخراج‌شده، براساس نظرات ۱۵ کارشناس، هر مؤلفه‌ای که حداقل مقدار CVR آن ۰/۴۹ به بالا بود و همچنین، مؤلفه‌ای که شاخص CVI آن برابر با ۰/۷۹ و بالاتر از آن بود، تأیید شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار مفهومی ثبات قدم براساس منابع اسلامی، بر هفت مؤلفه اصلی شامل هدف‌مداری الهی، عزم، یقین، پابندی به ارزش‌ها، ایستادگی مداوم، جدیت در عمل و شکیبایی مبتنی است.

کلیدواژه‌ها: ثبات قدم، منابع اسلامی، مدل مفهومی، مؤلفه‌های ساختاری، فرایندهای دستیابی.

«ثبات قدم» انسان در آنچه که تصمیم گرفته و اهتمام ورزیده، به‌عنوان یکی از کرامت‌های انسانی و اصول فضائل اخلاقی شمرده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۳۷). در قرآن کریم، خداوند به کسانی که ثابت قدم و استوار در مسیر حق هستند، بشارت به بهشت داده و ثمره این ایستادگی را رهایی خوف و حزن بیان می‌فرماید (ر.ک: فصلت: ۳۰) به‌گونه‌ای که به پیامبر خود و سایر مؤمنان دستور به استقامت و ثبات قدم می‌دهد (ر.ک: هود: ۱۱۲). اما به راستی مفهوم ثبات قدم به چه معناست و از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟

اندیشمندان علم لغت و اخلاق، با توجه به اهمیت این موضوع، به تبیین این واژه و اهمیت آن پرداخته‌اند. *راغب اصفهانی در مفردات*، این واژه را به معنای پایداری و ضد نابودی و زوال می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۱). *مصطفوی* نیز این ماده را در مقابل زوال دانسته و می‌گوید: «اصل در معنای این ماده استقرار و ادامه دادن آنچه که بوده می‌باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶). ثبات قدم اینچنین نیز تبیین شده است: «ثبات ملکه‌ای است که موجب استحکام ایمان و رسوخ قلب، و اثر آن پایداری در انجام اعمال است که در قرآن از آن به «ثبات قدم» تعبیر شده است و ضد تذبذب و دودلی است» (مظاهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۵۵). برخی دیگر، ثبات قدم را امری ناشی از اطمینان و عقیده قلبی می‌دانند که در راستای نیل به کمال انجام می‌گیرد که افزون بر ثبات ظاهری، طمأنینه درونی را نیز به همراه دارد (موسوی خبینی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۱۶۷).

علامه طباطبائی، با استناد به کتاب *مفردات راغب*، ثبات قدم را به معنای استقامت دانسته، استعمال هر دو واژه «ثبات قدم» و «استقامت» را در یک معنا می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۱۷) و استقامت را این‌گونه تعریف می‌کند: «استقامت در هر امری به معنای ثابت قدم بودن در حفظ آن و در ادای حق آن به‌طور تمام و کامل است. استقامت خود انسان عبارت است از پایداری به تمام قوا و ارکان در برابر وظایفی که به وی روی می‌آورد، به‌طوری که کم‌ترین نیرو و استطاعتش نسبت به آن وظیفه بی‌اثر نماند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۲).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: براساس منابع اسلامی، مفهوم «ثبات قدم» به معنای دوام و استقرار در یک امر، استیفا و انجام آن با تمام قوا و عدم زوال و دودلی است و می‌تواند به مفاهیمی همچون استقامت، مداومت، عزم، صبر و رسوخ نزدیک و یا همبسته باشد. براساس آیات و روایات، ثبات قدم دارای مراتبی است؛ همچون ثبات قدم در ایمان (فصلت: ۳۰)؛ یا ثبات قدم در جهاد و جنگ (بقره: ۲۵۰)؛ ثبات قدم در مرحله عمل و انجام فعل (هود: ۱۱۵) و یا ثبات قدم در برابر سختی‌ها و مشکلات (انفال: ۴۵ و ۴۶).

این مفهوم در منابع روان‌شناختی و بخصوص در روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز مورد توجه قرار گرفته است. روان‌شناسی مثبت‌گرا، جنبشی اجتماعی و عقلانی در رشته روان‌شناسی است که بر توانمندی‌های انسان و چگونگی شکوفا شدن و کامیاب شدن او تمرکز دارد (لوپز و اسنایدر، ۲۰۰۷، ص ۴۵). در روان‌شناسی مثبت، ثبات قدم به‌عنوان یک توانمندی منشی زیرمجموعه فضیلت شجاعت، مطرح شده است. فضیلت شجاعت مجموعه‌ای از توانمندی‌های هیجانی است و به معنای اعمال اراده برای رسیدن به اهداف در مقابل مخالفت‌های درونی یا بیرونی می‌باشد (جوزف،

۲۰۱۵، ص ۵۲۳). روان‌شناسان مثبت‌گرا، ثبات قدم را به مداومت و تکرار، همراه با قصد یک عمل در راستای رسیدن به یک هدف با وجود وسوسه ترک آن کار تعریف می‌کنند (لوپز، ۲۰۰۹، ص ۶۷۸). از نظر آنان، ثبات قدم یعنی به پایان رساندن تلاشی که شروع شده و ادامه دادن آن با وجود موانع. به عبارت دیگر، ثبات قدم یعنی اراده بر انجام یک کار در برابر تکانه‌هایی نظیر خستگی، ناکامی، سختی و ملال و وسوسه انجام کاری راحت‌تر و شاید لذت‌بخش‌تر (سلیگمن و پیترسون، ۲۰۰۴، ص ۲۰۲). داکورث نیز ثبات قدم را به شور و حرارت فرد برای پیگیری اهداف بلندمدت تعریف می‌کند که این خصیصه می‌تواند مجموعه‌ای از نشانه‌های واقعی مؤثر در مورد انگیزش و سرسختی و موفقیت در اهداف بلندمدت را پیش‌بینی کند (داکورث و همکاران، ۲۰۰۷).

برای تبیین این مفهوم در منابع روان‌شناختی، از دو واژه (perseverance) و (persistence) استفاده شده است (سلیگمن و پیترسون، ۲۰۰۴). آکسفورد (۲۰۱۰)، perseverance را این‌گونه تعریف می‌کند: «ثابت بودن و پایداری در طی یک فعالیت، یا حالت. ثابت قدم بودن در پیگیری یک مقصود و کوشش و استقامت سرسختانه» و همچنین در تعریف persistence می‌گوید: «استواری یا سرسختی مداوم در مسیری ویژه با وجود مخالفت‌ها و تضادها» (آکسفورد، ۲۰۱۰، ج ۷، ص ۷۲۱).

فوائد ثبات قدم به خوبی و به صورت گسترده شناخته شده‌اند. اولین و بهترین آن، اینکه ثبات قدم اقبال فرد را در رسیدن به اهداف دشوار افزایش می‌دهد. بدیاری‌ها و مشکلات پیش می‌آیند و این ممکن است مأیوس‌کننده باشد، اما اگر فرد تسلیم شود، به آن اهداف دست پیدا نخواهد کرد. بنابراین، اگر قرار بر دستیابی به موفقیت باشد، ثبات قدم اغلب ضروری است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۲۳۸).

فایده دوم این است که ثبات قدم، لذت فرد را از موفقیت بعدی افزایش می‌دهد. نظریه ناهماهنگی شناختی فستیگر (۱۹۵۷) تأکید می‌کند که گاهی اوقات نگرش‌های افراد، نیاز به تصدیق تلاش‌هایی است که انجام داده‌اند. مطالعات شناخته‌شده‌ای مانند مطالعه *اورنسون و میلز* (۱۹۵۹) تأیید می‌کند که افراد چیزهایی را که برای به دست‌آوردنشان، مجبور به تحمل شکست یا مشکلاتی بوده‌اند، بیشتر دوست دارند.

فایده سوم ثبات قدم این است که مهارت‌های فردی و کاردانی شخص را بهبود می‌بخشد. افرادی که برای رسیدن به اهدافشان، بر موانع غلبه می‌کنند. گاهی باید رویکردها و شیوه‌های نو یا روش‌های جدیدی را برای حل مشکلات ایجاد کنند و این مهارت جدید کسب شده، در اقدامات بعدی مفید خواهد بود (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۲۳۹).

چهارمین فایده ثبات قدم، این است که احساس خوداثربخشی فرد را افزایش می‌دهد که ناشی از دستیابی نهایی به موفقیت است. نظریه خوداثربخشی بندورا (۱۹۷۷) تأکید می‌کند که تجارب مهارت و تسلط، که در رویارویی با موانع، با ثبات قدم همراه می‌شوند. در افراد یک حس توانمندی تعمیم‌یافته و افزوده برای انجام کارها ایجاد می‌کنند. خوداثربخشی، انتظار توانمند بودن و عمل مؤثر در به دست آوردن نتایج دلخواه است و اینکه میزان اطمینان بخصوص با موفقیت‌هایی که به سختی به دست می‌آید، افزایش می‌یابد (همان).

در این میان باید توجه داشت که مبانی و پیش‌فرض‌های خدانشناسانه، هستی‌شناسانه، غایت‌شناسانه و انسان‌شناسانه مفاهیم اخلاقی در دین اسلام، متفاوت از مفاهیم مطرح در روان‌شناسی مبتنی بر فلسفه غربی است. برای مثال، فلسفه غرب بر تک‌ساختی بودن انسان تأکید دارد. ولی در اسلام، انسان دو ساحت متشکل از روح و جسم است که رفتار و عمل او، بر هر دو ساحت وی تأثیر می‌گذارد (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷). همچنین، لازم به یادآوری است که متون دینی هرچند ساختار بیانی خاصی دارند، اما دربردارنده معارف روان‌شناختی نابی هستند که باید شناسایی و کشف شوند و به وسیله متخصصان، تنظیم و طبقه‌بندی شوند. واقعیت این است که ظاهر آیات و روایات، مبتنی بر قواعد و واقعیت‌های انسانی است که کشف آنها، می‌تواند انسان را به دیدگاه مشخصی درباره حوزه روان‌شناسی برساند (پسندیده، ۱۳۸۶).

از این‌رو، بی‌تردید، زمانی می‌توان یک مفهوم یا سازه روان‌شناختی را مبتنی بر اصول اساسی یک فرهنگ دانست که تعاریف، مؤلفه‌ها و نشانه‌های آن، با تکیه بر منابع دینی، اجتماعی، ادبیات، باورها و آموزه‌های آن فرهنگ معین، توسعه داده و تعیین شود. بنابراین، با توجه به اهمیت مفهوم «ثبات قدم»، تعیین مؤلفه‌های این مفهوم در منابع اسلامی ضروری است. این امر می‌تواند علاوه بر گسترش حوزه متون دینی و انعکاس قابلیت کاربرد آن در علم روان‌شناسی، مسیر را برای سایر پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون پژوهشی هموار کند. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی مفهوم ثبات قدم در منابع اسلامی و تعیین مؤلفه‌های آن، با استفاده از نظر کارشناسان و براساس اصول روان‌سنجی می‌باشد.

روش پژوهش

برای تحلیل مؤلفه‌های مفهومی «ثبات قدم»، از جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی (قرآن و حدیث)، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. مؤلفه‌های مفهومی، به‌عنوان معنای اصلی پیام موجود در جملات کتب لغت، اصطلاح و متون اسلامی در نظر گرفته شد (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). واحدهای تحلیل جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی است. در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون بررسی شدند و تحلیل داده‌ها، نه به وسیله شمارش واحدهای تحلیل، بلکه با بررسی مضمون اصلی جملات توصیفی - تبیینی در متون اسلامی و مقوله‌بندی آنها انجام شد. براین‌اساس، تحلیل محتوا، از نوع کیفی و با رویکرد تفسیری بود (بایی، ۲۰۱۱، ص ۳۶۴). برای تبیین ساختار مفهومی ثبات قدم در متون اسلامی (قرآن و حدیث)، از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. این روش، براساس اصل تحلیل مؤلفه‌ای در نظریه حوزه‌های معنایی اجرا شد (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳). با استفاده از روش معناشناسی زبانی، ساختار مفهومی ثبات قدم در آیات و روایات به دست آمد و مدل مفهومی آن تدوین شد.

جامعه اسناد و گزینش نمونه: جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی و مرتبط با حوزه معنایی ثبات قدم، جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). این جملات، روایات مورد مراجعه براساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳)، در منابع روایی سطوح الف، ب و ج قرار دارند. در این پژوهش، جملات انتخاب

شده در قرآن کریم و روایات، دارای ملاک «ارتباط با موضوع ثبات قدم» بودند (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). نحوه این ارتباط را وجود واژه‌ها و مفاهیم حوزه معنایی ثبات قدم در آیات و روایات تعیین کرد. بدین ترتیب، هر واحد تحلیل که برای ساختار مفهومی ثبات قدم مناسب بود، شانس قرار گرفتن در نمونه پژوهش را داشته است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: محتوای آشکار و پنهان متون اسلامی در این پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این کار، نه با روش شمارش داده‌ها، بلکه با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها و با استفاده از شیوه مقوله‌بندی انجام گرفت (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۱). این کار به واسطه سه فعالیت: الف. تلخیص داده‌ها؛ ب. عرضه داده‌ها؛ ج. نتیجه‌گیری، انجام شد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰۷).

شیوه اجرا: استخراج مؤلفه‌ها و تبیین ساختار مفهومی ثبات قدم در این پژوهش، به ترتیب در سه اقدام انجام شد:

الف. تشکیل حوزه معنایی و جمع‌آوری واژگان و مفاهیم مرتبط: هدف از این گام، جمع‌آوری واژگان و مفاهیمی بود که از ویژگی‌های مرتبط با ثبات قدم حکایت می‌کردند. این گام، بر مبنای نظریه حوزه‌های معنایی انجام شد که اشتراک در یک ویژگی را عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها یا مفاهیم در یک حوزه می‌داند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). برای تعیین حوزه معنایی یک مفهوم یا به عبارت دیگر، برای مرزبندی ویژگی‌های مرتبط با یک مفهوم، دو حوزه قابل بررسی است: حوزه مفهومی و حوزه واژگانی. برای استخراج واژگان و مفاهیم مرتبط با ثبات قدم، از جملات موجود در کتاب‌های معتبر لغت، اصطلاح و متون تخصصی و از روش تحلیل محتوا استفاده شد. ابتدا مدخل‌های مرتبط با ثبات قدم در کتب لغت بررسی و واژه‌ها یا مفاهیمی که بیانگر ویژگی‌های مفهومی ثبات قدم بودند، انتخاب گردید. پس از آن، به بررسی نظر اندیشمندان مسلمان در حوزه علم اخلاق و تفسیر و نظریه‌پردازان روان‌شناسی مثبت درباره مفهوم «ثبات قدم» پرداخته شد و ویژگی‌های مفهومی ثبات قدم و حوزه معنایی آن برای ارائه تعریفی دقیق استخراج گردید. نتیجه این گام، جمع‌آوری مفاهیم و واژگان در حوزه معنایی ثبات قدم بود که مبنای جست‌وجوی متون در منابع اسلامی قرار گرفت.

ب. جمع‌آوری جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با مفهوم ثبات قدم و مقوله‌بندی و نام‌گذاری مؤلفه‌ها: رسیدن

به این هدف، با جست‌وجو به واسطه کلیدواژه‌های به‌دست‌آمده در حوزه معنایی ثبات قدم انجام شد. تمام مشتقات فعلی (ماضی، مضارع و امر) و اسمی ثبات قدم (اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه، اسم تفضیل و...) با الف و لام و بدون آن، استخراج گردید. پس از گردآوری روایات، روایاتی که با موضوع پژوهش مرتبط بود، انتخاب شدند. پس از آن، مقوله‌بندی متون دینی با هدف استخراج ویژگی‌های مؤثر در مفهوم ثبات قدم انجام گرفت. بدین منظور، سه اقدام انجام شد: ۱. تلخیص و مرکزی‌سازی مضمون جملات آیات قرآن و روایات برای استخراج مضمون اصلی مرتبط با مفهوم ثبات قدم براساس دلالت مطابقی، دلالت تضمینی و دلالت التزامی؛ ۲. عرضه مضمون‌های استخراج‌شده در گروه‌های متمایز براساس اشتراک موضوعی؛ ۳. نتیجه‌گیری و مشخص کردن مؤلفه‌ها به نام‌گذاری آنها.

ج. بررسی روایی محتوای مؤلفه‌های مفهومی و استخراج مؤلفه‌های نهایی: هدف از این گام، بررسی روایی محتوای مؤلفه‌های مفهومی ثبات قدم براساس منابع اسلامی بوده که در پاسخ به این دو سؤال مطرح گردید: ۱. براساس مستندات ارائه‌شده، تا چه حد استخراج و استنباط محقق از متون اسلامی، درباره مؤلفه‌های ثبات قدم معتبر بوده؛ ۲. مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از متون اسلامی، تا چه میزان می‌توانند مفهوم ثبات قدم را به شکل متمایزکننده‌ای نشان دهند. روایی محتوایی، به تحلیل منطقی محتوای یک آزمون بستگی داشته و تعیین آن براساس قضاوت و واریسی دقیق و مستدل کارشناسان انجام می‌گیرد. در صورتی که بین کارشناسان مختلف، در زمینه روایی محتوایی مؤلفه‌ها توافق وجود داشته باشد، آن مؤلفه دارای روایی محتوایی است. برای بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌ها، به دو شیوه عمل شده است:

۱. شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR): این شاخص توسط لاوئسی (۱۹۷۵) طراحی شده است. برای محاسبه این شاخص، از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای اطلاعات موردنظر استفاده می‌شود و با توضیح اهداف آزمون برای آنها و ارائه تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای مؤلفه‌ها، از آنان خواسته می‌شد تا هریک از سوالات را براساس طیف سه‌بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است، ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. سپس، براساس فرمول زیر، نسبت روایی محتوایی محاسبه می‌شود:

$$CVR = \frac{\text{تعداد کل} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند}}{\frac{\text{تعداد کل}}{2}}$$

براساس تعداد کارشناسانی که سوالات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، حداقل مقدار CVR قابل قبول براساس جدول شماره ۱ محاسبه می‌شود. مؤلفه‌هایی که مقدار CVR محاسبه شده برای آنها، کمتر از میزان موردنظر با توجه به تعداد کارشناسان ارزیابی‌کننده سؤال باشد، باید از آزمون کنار گذاشته شوند؛ زیرا براساس شاخص روایی محتوایی، روایی محتوایی قابل قبولی ندارند (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۷-۳۰).

جدول ۱: نمره‌گذاری CVR

حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره گذار					
تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۵	۰/۴۹	۲۵	۰/۳۷
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲	۳۰	۰/۳۳

ب. شاخص روایی محتوایی (CVI): برای بررسی شاخص روایی محتوا، از روش *والتر و باسل* (Waltz & Bausell) استفاده می‌شود؛ بدین صورت که متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر گویه را براساس یک طیف لیکرتی ۴ قسمتی مشخص می‌کنند. متخصصان مربوط بودن هر گویه را از نظر خودشان از ۱ «مربوط نیست»، ۲ «نسبتاً مربوط است»، ۳ «مربوط است» تا ۴ «کاملاً مربوط است» مشخص می‌کنند.

$$CVI = \frac{\text{تعداد کارشناسانی که به گویه نمره ۳ و ۴ داده‌اند}}{\text{تعداد کل کارشناسان}}$$

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI، برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه باید حذف شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۷-۳۰). محقق برای بررسی روایی محتوا، از دیدگاه کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده نموده است. پیش از اینکه براساس مؤلفه‌های نظری استخراج شده از منابع دینی اقدام به طراحی گویه‌ها شود، در ابتدا با طراحی جدول و در یک درخواست رسمی و بیان توضیحات لازم، از ۱۵ تن از کارشناسان حوزوی، که تحصیلات عالیه روان‌شناسی داشتند، خواسته شد تا نظر خود در زمینه مطابقت مؤلفه‌های به‌دست‌آمده، با مستندات دینی با توجه به استدلال‌های بیان‌شده در جدول ۵ تا ۱۱، در یک مقیاس چهاردرجه‌ای (کاملاً مرتبط ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، نسبتاً مرتبط ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم مرتبط ۲۶ تا ۵۰ درصد و غیرمرتبط ۱ تا ۲۵ درصد) اعلام نمایند. افزون بر اینکه، در این بخش، میزان ضرورت مؤلفه‌ها نیز با سه طیف (ضروری نمره ۳، مفید ولی غیرضروری است نمره ۲، غیرضروری نمره ۱) توسط کارشناسان سنجیده شد که نتایج آن، در ادامه پژوهش و در بخش یافته‌ها تبیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش

بخش اول: تعیین حوزه معنایی ثبات قدم: ابتدا با مراجعه به نزدیک به ۱۲ کتاب لغت معتبر، ثبات قدم و واژه‌های مرتبط احصا گردید. پس از بررسی‌ها مشخص شد که برای مفهوم ثبات قدم در زبان عربی، واژه‌هایی وضع شده است که هریک نسبت به دیگری، تفاوت‌هایی هم از حیث شیوع در استعمال و هم از حیث معنا با یکدیگر دارند. نتایج مربوط به این بخش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: حوزه معنایی ثبات قدم در کتب لغت

وضعیت	کلیدواژه	معنا	منبع
ثبات	ثبات	دوام و استقرار بر فعل سابق به کسی که مدتی دارای صفتی به‌صورت استمراری باشد، با ثبات گویند	طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸۰؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵
		دوام یافتن، پابرجا ماندن، پایداری	معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۸۶؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۶۳۷۵
مداومت	مداومت	عدم زوال و از بین رفتن عدم تزلزل و ناپایداری	راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۱؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۰۷
		مطلق استمرار (بدون زمان مشخص)	مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۸۳
		مواظبت بر عمل و عدم ترک آن	زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۵۲

استقامت	ثبات، مداومت، استمرار	راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۲۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۹۴	
	ایستادگی، پافشاری، پایداری	معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۵۵	
	مفهومی در برابر قعود و به معنای به پاداشتن و فعلیت عمل	مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۴۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۴۸-۴۷	
معانی همبسته	عزم	قصد جازم موجب تحقق اراده عمل و ادامه دادن آن - به کسی که ثبات ندارد بدون عزم گفته می‌شود.	مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۲۱
		صبر	مقاومت و ثبات نفس در برابر سختی‌ها
	ثابت قدم بودن در قبال آنچه ملایم طبع انسانی نیست		مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۸۱

نتایج مربوط به بررسی اصطلاحی مفهوم ثبات قدم، در نظر اندیشمندان مسلمان (علم اخلاق و تفسیر) و روان‌شناسان در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: حوزه معنایی ثبات قدم در منابع اصطلاح‌شناسی و طبقه‌بندی آن در کارکردهای روان‌شناختی

منبع	واژگان کلیدی	کارکرد روان‌شناختی
جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۹، ص ۴۹۲	پایداری هدفمندانه	کارکرد انگیزشی
مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۴۷۱ داکورت وهمکاران، ۲۰۰۷	برخورداری از اراده محکم و شوق وافر	
مظاهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۵۵	ثبات یقینی و عدم شک و تردید	کارکرد شناختی
ابن مسکویه، ۱۴۲۶ق، ص ۱۰۳ نراقی، ۱۳۷۸، ص ۸۱۴	تحمل سختی‌ها و مقاومت در برابر مشکلات	کارکرد رفتاری
لوپز، ۲۰۰۹، ص ۶۷۹ مشکینی، ۱۴۲۴ق، ص ۶۳۷	پایداری در انجام اعمال تا رسیدن به نتیجه	
موسوی لاری، ۱۳۷۶، ص ۳۶۹ پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴	ایستادگی و سستی و تبلی نکردن	
موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹	عدم سهل‌انگاری در عمل	
مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۸ لوپز، ۲۰۰۹، ص ۶۷۹	بی‌توجهی به وسوسه‌ها	
صدر، ۱۳۷۷، ص ۳۹	نهراسیدن از موانع	
طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۸-۲۹	طاعت الهی و عدم ارتکاب ردائل اخلاقی	
طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۶۲	ادای کامل حق یک کار و وظیفه‌ای با تمام نیرو	

بخش دوم: استخراج مؤلفه‌های ابتدایی و بررسی روایی محتوایی: با مراجعه به منابع اصیل اسلامی، آیات و روایات مربوط به ثبات قدم گردآوری و ۱۰ مؤلفه ابتدایی از منابع استخراج گردید و در قالب جدول، تلخیص و مقوله‌بندی شد. پس از آن، جدول مذکور، برای منظور ارزیابی میزان مطابقت و ضرورت مؤلفه‌های ثبات قدم براساس منابع اسلامی و برآورد روایی محتوای مؤلفه‌ها، به ۱۵ نفر کارشناس دارای تحصیلات دینی و روان‌شناختی ارائه گردید. نتایج نظرات کارشناسان و تحلیل داده‌های مربوط به آن، در جدول ۴ گزارش داده شده است.

جدول ۴: بررسی CVI و CVR مؤلفه‌ها توسط کارشناسان

ردیف	حوزه روان‌شناختی	مؤلفه‌ها	نمره CVR	نمره CVI
۱	انگیزشی - عاطفی	هدف‌مداری الهی	۶۰	۸۰
۲		عزم	۶۰	۸۷
۳		آرامش و سلامت روان	۰	۴۰
۴	شناختی	یقین	۷۳	۸۰
۵	رفتاری	پایبندی به ارزش‌ها	۶۰	۸۰
۶		جدیت در عمل	۸۷	۹۳
۷		شکیبایی	۷۳	۹۳
۸		غلبه بر وسوسه ترک عمل	۴۶	۸۰
۹		ایستادگی مداوم	۱	۹۳
۱۰		پرهیز از نافرمانی	۴۶	۸۷

با توجه به قانون محاسبه CVR و CVI در روایی محتوا (جدول ۱)، در صورتی که تعداد ارزیابان ۱۵ نفر باشند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بایستی ۰/۴۹ به بالا باشد و در صورتی که نمرات محاسبه‌شده برای آنها کمتر از میزان موردنظر باشد، باید از آزمون کنار گذاشته شوند؛ چراکه روایی محتوایی قابل قبولی ندارند و حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه باید حذف شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۷-۳۰). بنا بر نظر کارشناسان، مؤلفه سوم (آرامش و سلامت روان)، به دلیل عدم مطابقت و ضرورت از میان مؤلفه‌ها کنار گذاشته شد و مؤلفه هشتم (غلبه بر وسوسه ترک عمل)، به دلیل نمره ضرورت پایین در مؤلفه نهم (ایستادگی مداوم) ادغام گردید. همین اتفاق، برای مؤلفه دهم (پرهیز از نافرمانی) رخ داد و با مؤلفه پنجم ادغام شد. بدین ترتیب هفت مؤلفه در سه بعد در این پژوهش باقی می‌ماند.

بخش سوم: مؤلفه‌های نهایی ثبات قدم براساس منابع اسلامی: پس از بررسی‌های انجام‌گرفته در منابع اسلامی و طی مراحل قبل، برای استخراج مؤلفه‌های ثبات قدم براساس منابع اسلامی، هفت مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی ثبات قدم به دست آمد که عبارتند از:

- هدف‌مداری الهی: هر کس برای عمل خود انگیزه‌هایی دارد، ولی حرکت در مسیر والاترین هدف؛ یعنی هدف الهی و تلاش برای دستیابی به آن، ارزشمند و پایداری و ثبات قدم برای آن ستودنی است. هر چه اهداف پایین‌تر و پست‌تر باشند، ثبات قدم بر آن، هم بر همان اساس ارزش خود را از دست می‌دهد. جدول ۵، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۵: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه هدف‌مداری الهی با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
هدف‌مداری الهی	انگیزشی	پایداری هدفمندانه و بدون انحراف از راهی که شخص انتخاب کرده و او را به تعالی خود می‌رساند	«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)
	استدلال	نظام هستی به رهبری خدا هدفمندانه در راه راست حرکت می‌کنند «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و انسان شاید کجراهه رود و به مقصد نرسد، از این‌رو، خداوند می‌فرماید: روش و سنت مستقیم الهی را در پیش گیرید تا به مقصد برسید (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۹، ص ۴۹۲)	بی‌تردید کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، و بر آن پایداری نمودند، فرشتگان بر آنها فرود آیند (و گویند) که هرگز مترسید و غمگین نشوید «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ» (فصلت: ۶)

- عزم: عزم به معنای قصد جازم است؛ یعنی مرتبه‌ای شدیدتر و بالاتر از قصد و از جهت کیفیت و دوام به‌گونه‌ای است که موجب تحقق اراده عمل و ادامه دادن آن می‌شود. جدول ۶، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۶: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه عزم با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
عزم	انگیزشی	قصد و اراده جدی و مصمم برای انجام عمل	قال رسول الله ﷺ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّباتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۳، ص ۳۲۵)؛ خداوند از تو ثبات در کار و عزم بر هدایت و کمال را مسئلت می‌کنم.
	استدلال	در اصطلاح، به کسی که در آنچه تصمیم گرفته ثبات ندارد می‌گویند: «مَالَهُ عَزْمَةٌ» (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۰۹) عزم بر انجام یک فعل، بر ثبات در آن کار مقدم است و آنچه در اصل مقدم است داشتن ثبات قدم در کار است؛ چراکه اهداف در رتبه مقدم هستند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۱۵)	

- یقین: نداشتن شک و تردید و دودلی و داشتن یقین و ثبات قلبی، نسبت به عمل نیز یکی از لوازم داشتن ثبات قدم است و در منابع روان‌شناختی نیز شک به‌عنوان مانع و آسیب ثبات قدم شناخته می‌شود. جدول ۷، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۷: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه یقین با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
یقین	شناختی	عدم شک و تردید در انتخاب و انجام عمل	عن علی: «عَصَمَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْهُدَى وَ تَبَيَّنَكُمْ بِالْيَقِينِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۹۰)
	استدلال	تثبیت مومنین همراه با یقین است اگر یقین نباشد و شک و انکار و تردید در میان، باشد ثبات قدم هم حاصل نمی‌گردد.	عن الرضا: «لَا يَنْفَعُ مَعَ الشَّكِّ وَالْجُحُودِ عَمَلٌ نَسَأَلُ النَّبَاتَ وَ حُسْنَ الْيَقِينِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۱۲۴)؛ باشک و انکار هیچ عملی سودمند نخواهد بود. از خداوند ثبات و یقین شایسته می‌طلبیم.

پایبندی به ارزش‌ها: در نظام‌های اخلاقی مربوط به ادیان، به‌ویژه اخلاق اسلامی، بیشتر این حقیقت مورد توجه قرار می‌گیرد که ارزش‌های مثبت و افعال خوب، مورد امر خداوند و مقابل آن، کارهای زشت و منفی، مورد نهی خداوند قرار دارند. در این صورت، ممکن است مکلف کارهای خوب را انجام دهد و کارهای زشت را ترک کند. این بدان معناست که فرمان‌های خدا به کار بسته و به دستورات او گردن نهاده و افعال و رفتارش با آنها هماهنگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۵). جدول ۸، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۸: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه پایبندی به ارزش‌ها با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
پایبندی به ارزش‌ها	رفتاری	پایبندی و تبعیت از ارزش‌های تعیین‌شده توسط مراجع دینی که براساس منابع اسلامی، خدا، پیامبر و اهل‌بیت می‌باشند و عدم مخالفت با فرامین الهی و دینی	«وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَسَدُ تُبَيَّنَاتٍ» (نساء: ۶۶)
	استدلال	لازمه استقامت، پرهیز از هر چیزی است که با آن مخالف باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۹، ص ۵۰۱)؛ هر قدر مردم به اوامر و فرامین الهی بیشتر عمل کنند، ثبات قدم آنان افزایش می‌یابد. استقامت باید بر اساس دستورهای کتاب خداوند و در راهی که فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او همراه باشد و از بدعت و مخالفت با آن پرهیز شود.	عن علی: «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبَّنَا اللَّهُ فَاَسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمُرُقُوا مِنْهَا، وَ لَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا، وَ لَا تَخَالَفُوا عَنْهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶)؛ شما گفتید پروردگار ما الله است. اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید بر انجام دستورهای کتاب او و در راهی که فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او همراه باشد و از بدعت و مخالفت با آن پرهیز شود.

- جدیت در عمل: این بعد رفتاری به معنای پرهیز از تبلی، اظهار ضعف و اهمال در انجام کار است. براین اساس، هرکس در کاری که انجام می‌دهد تبلی بورزد، از ثبات قدم برخوردار نیست. جدول ۹، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۹: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه جدیت در عمل با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
جدیت در عمل	رفتاری	عدم سستی و تبلی و سهل‌انگاری در انجام عمل	«وَ كَأَيِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶-۱۴۷)؛ چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند پس در مقابل آنچه به آنها در راه خدا رسید سست و ناتوان نشدند و خضوع و تسلیم نشان ندادند و خداوند صابران را دوست دارد و سخن آنها (در شاید جنگ) جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما را در کارمان بر ما ببخش و قدم‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.
	استدلال	این آیات برای بیان وجوب استقامت و نهی از ضعف و سستی بیان شده است. سر نهی از سستی، آن است که ضعف در ایمان مانع استیفای حقوق الهی و مردمی است: «مَنْ أَطَاعَ التَّوَاتِيَّ ضَيَعَ الْحَقُّوقُ»، بنابراین لازم حفظ استقامت پرهیز از سستی است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۵ ص ۷۰۶)	

- ایستادگی مداوم: ادای کامل حق یک کار و وظیفه‌ای که بر گردن انسان است و به سرانجام رساندن آن و البته رها نکردن و دست نکشیدن از آن، از مؤلفه‌های اصلی ثبات قدم می‌باشد. جدول ۱۰، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۱۰: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه ایستادگی مداوم با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
ایستادگی مداوم	رفتاری	مداومت و به سرانجام رساندن عمل و عدم ترک آن	عن علی: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَالِاسْتِقَامَةُ الْاسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَاتَّبِعُوهَا إِلَيْهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶)
	استدلال	ثبوت به معنای آن است که چیزی در جایی بصورت مستمر وجود داشته باشد (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۳۲). استقامت به معنای استمرار در جهت کمال است (همان ج ۱۰، ص ۱۵۳)	عن الباقر: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَوَّمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۳۶)؛ محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند متعال آن عملی است که بنده بر آن مداومت نماید هر چند اندک باشد.

- شکیبایی: این بعد رفتاری بیانگر این است که شخص ثابت قدم، باید برخوردار از قدرت تحمل سختی‌ها و مقاومت در برابر مشکلات و موانع باشد. جدول ۱۱، چگونگی نتیجه‌گیری این مؤلفه را از مضمون‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی نشان می‌دهد:

جدول ۱۱: تلخیص و مقوله‌بندی مؤلفه شکیبایی با ذکر تعریف، مستندات و استدلال

مؤلفه	کارکرد	تعریف	مستندات
صبر	رفتاری	تاب‌آوری در برابر مشکلات، سختی‌ها و موانع	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعْفَسُوا وَتَهَبَّ رِيحَكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۵)؛
	استدلال	کلمه ثبات بحسب معنایش اعم از کلمه صبری است که در جمله «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» به آن امر فرموده، چون صبر یک نحوه ثبات خاصی است، و صبر عبارت است از ثبات در مقابل مکروه به قلب، بدین صورت که دچار ضعف نگردد و جزع و فزع نکند و ثبات به بدن نیز هست (طباطبائی، ۱۳۷۴ ج ۹، ص ۱۲۴).	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی (از سپاه دشمن) رو به رو شدید ثابت قدم باشید و خدا را (بر زبان و دل) بسیار یاد کنید، باشد که رستگار گردید و از خدا و فرستاده او فرمان برید و با هم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می‌گردید و تسلط و حکومتان از میان می‌رود و نسیم پیروزی بر شما نمی‌وزد و شکیبایی کنید که همانا خدا با شکیبایان است). «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰)

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در پژوهش و بررسی ثبات قدم در منابع اسلامی به تفصیل بیان شده، می‌توان گفت: نگرش اسلامی به مفهوم ثبات قدم، نگرشی مثبت و مبتنی بر یک توانمندی ضروری برای مؤمنان است که هم برکات مادی را به دنبال دارد و هم سعادت و فلاح اخروی را (فصلت: ۳۰؛ جن: ۱۶). براساس منابع اسلامی، می‌توان عناصر و مؤلفه‌های نظری ثبات قدم را در سه بعد تقسیم نمود:

– بعد انگیزشی – عاطفی: شامل مؤلفه‌های هدف‌مداری الهی و عزم؛

– بعد شناختی: شامل مؤلفه یقین؛

– بعد رفتاری: شامل مؤلفه‌های پایبندی به ارزش‌ها، جدیت در عمل، ایستادگی مداوم و شکیبایی.

اگرچه ثبات قدم در ظاهر امر، بیشتر نمایشگر یک صفت رفتاری است، ولی نمی‌توان آن را فارغ از ابعاد انگیزشی و شناختی در نظر گرفت؛ چراکه اساساً تحقق هر عمل اختیاری و ارادی، حداقل به سه عنصر «میل»، «آگاهی» و «قدرت» نیازمند است. اگر انسان را به ماشینی تشبیه کنیم، «میل» در واقع عامل اصلی حرکت است؛ یعنی به‌منزله موتور است که انرژی لازم برای حرکت تولید می‌کند. «علم و آگاهی»، چراغی است که راه را روشن می‌کند و مسیر حرکت را مشخص می‌سازد. «قدرت» به‌منزله سایر ابزارهای است که حرکت به وسیله آنها انجام می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۲، ص ۸۴).

براساس منابع اسلامی، انسان موجودی مختار و برخوردار از اراده است و مسئولیت اعمال او بر گردن خودش است. در این میان، این اهداف هستند که مسیر حرکت شخص را مشخص می‌کند و به او انگیزه تلاش و پافشاری بر آن را می‌دهد. هدف‌ها هرچقدر عالی‌تر باشند، تلاش بیشتر و پایداری بیشتری را می‌طلبند. گاهی برای یک شخص، هدف سیر شدن

شکم است و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند، ولی انسان‌های بزرگ، که همت عالی دارند، هدف اصلی آنان سیر شدن شکم نیست، بلکه در ورای آن، به دنبال اهداف بزرگتری می‌روند و بندگان خاص خدا، افراد مؤمن و باتقوا، حتی خوردن غذا را به منظور پیدا کردن نیرو برای پرستش خدا و خدمت به خلق خدا انجام می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶). از این رو، هدف‌مداری الهی اولین مؤلفه‌ای است که از منابع اسلامی استخراج می‌گردد.

در مسیر رسیدن به اهداف، صرف برخوردار بودن از اراده کافی نیست. همه انسان‌ها اراده دارند، ولی ثابت قدم نیستند. گاهی برای رسیدن به اهداف، باید سختی کشید، با موانع دست و پنجه نرم کرد و لازمه همه اینها، این است که شخص، از قدرتی بالاتر از اراده برخوردار باشد و آن عزم است. عزم، به معنای قصد قطعی است؛ یعنی مرتبه‌ای شدیدتر و بالاتر از قصد و از جهت کیفیت و دوام، به گونه‌ای است که موجب تحقق اراده عمل است. تلاش و صبر و استقامت، از لوازم عزم و آثار آن می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۲۱).

در بعد شناختی نیز باید گفت: یکی از آفات ثبات قدم، تردید و شک است. این ویژگی، موجب تزلزل دائمی و گمان‌های بی‌پایه و تردیدها و احتمالات بی‌اساس می‌گردد. فرد مردد، پیوسته از نظر با دودلی دست به گریبان است. این امر او را هم در انتخاب اهدافش و هم در پافشاری بر آنها در مقام عمل دچار مشکل می‌سازد. شخص ثابت قدم، باید یقین داشته باشد تا بتواند کاری را انجام دهد و اگر شک و تردید بر وی مستولی شود، استقامت خود را از دست می‌دهد.

از منظر دینی، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و به تعبیری، باید‌ها و نباید‌ها چه در زمینه اخلاقی و چه در سایر زمینه‌ها، نظر به اصول، احکام، قوانین و موازینی دارد که عقل و دین به کمک هم، التزام به مفاد آنها را برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر لازم می‌شمارند؛ با این تفاوت که عقل در بسیاری از موارد، باید از شرع الهام پذیرد؛ چون در این گونه موارد، خود به تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس، ارزش‌ها اموری است که می‌ارزد انسان به آنها پایبند باشد و ضدارزش‌ها اموری است که نمی‌ارزد انسان‌ها به آنها ملتزم گردد و یا می‌ارزد که از آنها اجتناب کند (رهنمایی، ۱۳۸۳، ص ۴۲). مکلف اگر کارهای خوب را انجام دهد و کارهای ناپسند را ترک کند، این بدان معناست که که فرمان‌های خدا به کار بسته و دستورات او را گردن نهاده است و افعال و رفتارش با آنها هماهنگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۵). این ویژگی، یعنی پایبندی به ارزش‌ها از مؤلفه‌هایی است که در رابطه با مفهوم ثبات قدم از منابع اسلامی استخراج می‌گردد.

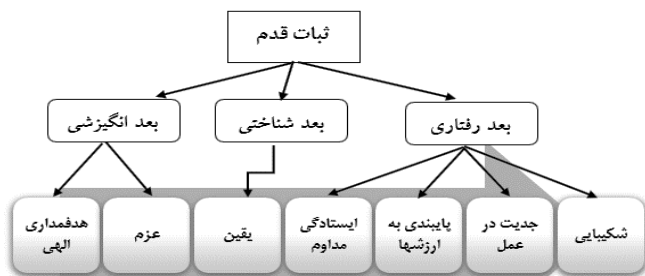
تنبلی کردن، اهمال کاری و سستی در عمل، همه از موانع شناخته شده ثبات قدم هستند. گاهی انسان کاری را شروع می‌کند، ولی حوصله به سرانجام رساندن آن را ندارد. گاهی اصلاً اراده بر انجام آن کار، به خاطر سختی‌هایش ندارد و یا در حین انجام آن، تنبلی می‌کند و دست از کار می‌کشد. این صفت ناپسند، در منابع اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته و به عنوان عامل ضررزننده به دین و دنیا (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۰) از آن نام برده شده است. در مقابل ثبات قدم قرار گرفته است. جدیت در عمل و پرهیز از سستی و تنبلی، مؤلفه‌ای مهم در ساختار مفهومی ثبات قدم است.

جوهره اصلی مفهوم ثبات قدم، همان‌گونه که لغت‌شناسان نیز بیان می‌دارند، مداومت است. مداومت به این معناست که وقتی انسان کاری را شروع کرد و حرکتی را آغاز نمود، عقب‌گرد نکند و علی‌رغم وجود سختی‌ها، مشکلات و موانع و یا احساس تنبلی و بی‌ارادگی، دست از کار نکشد تا آن را به سرانجام برساند. لازمه مداومت، ایستادگی است؛ یعنی شخص با تمام قوا، نیروی خود را برای به انجام عمل تا نهایت آن به کار گیرد و از راهی که انتخاب کرده، منحرف نگردد و به کاری دیگر مشغول نشود. از این‌رو، ما انسان‌های با پشتکار را تحسین می‌کنیم و آنها را انسان‌هایی موفق می‌دانیم. ایستادگی مداوم، از اصلی‌ترین مؤلفه‌های ثبات قدم در منابع اسلامی به‌شمار می‌آید.

لازمه ثبات قدم، داشتن صبر و شکیبایی است. شکیبایی به معنای داشتن سعه صدر و قدرت تحمل سختی‌ها و مشکلات و از کوره در نرفتن، در مواجهه با ناخوشایندی‌هاست. ما کسی را که با اولین شکست می‌شکند و ناامید می‌شود، ثابت قدم نمی‌نامیم. نقش شکیبایی در ثبات قدم، به حدی است که گفته می‌شود: اگر صبر و استقامت و حوصله باشد، بی‌استعدادترین افراد هم هرچند در یک زمان طولانی، به هدف خواهند رسید (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۱۷۰). شکیبایی در منابع اسلامی، با نشانه‌هایی از جمله، صبر بر مشکلات، شکایت نکردن از خداوند، مأیوس نشدن و غیر آن همراه است. می‌توان اینچنین استنباط کرد که صبر، یعنی قدرت تحمل بالا در برابر آنچه انسان را از هدف خود و انجام عمل بازمی‌دارد.

بنابراین، براساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده و تعاریف هریک، می‌توان تعریفی جامع از ثبات قدم در منابع اسلامی ارائه داد و گفت: ثبات قدم یک توانمندی مرکب از انگیزه، شناخت و عمل است. به عبارت دیگر، ثبات قدم به معنای مصمم بودن و مداومت و پایداری در انجام تکالیفی که با هدف الهی تعیین شده‌اند و رها نکردن آنها تا رسیدن به نتیجه مطلوب علی‌رغم وجود سختی‌ها و وسوسه بر ترک آن تکلیف می‌باشد. این امر مستلزم پابندی به ارزش‌ها و راه ندادن شک و تردید به دل است. در نتیجه، می‌توان گفت: ثبات قدم دارای یک پیوستار است که دارای سه بعد است: بعد انگیزشی، بعد شناختی و بعد رفتاری. می‌توان آن را براساس مدل زیر تبیین کرد؛ یعنی در تحقق ثبات قدم، حرکت از مؤلفه‌های انگیزشی به سمت مؤلفه شناختی و در آخر مؤلفه‌های رفتاری است.

نمودار ۱: مدل مفهومی و پیوستار ثبات قدم



در پایان و در مقایسه میان مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی و منابع روان‌شناختی می‌توان به نکات زیر اشاره داشت: مؤلفه‌های مشابه در دو منبع عبارتند از:

- پایداری، ایستادگی و مداومت در انجام اعمال و به سرانجام رساندن (لوپز، ۲۰۰۹، ص ۶۷۸).

- داشتن عزم، رغبت و اشتیاق در راه رسیدن به اهداف (داکوورت، پترسون، متیوس و کلی، ۲۰۰۷).

- لزوم شکیبایی و به جان خریدن سختی‌ها و مقابله با موانع و مشکلات و دلسرد نشدن (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۲۲۹).

- جدیت در عمل و پرهیز از تنبلی و ملال و غلبه بر وسوسه ترک عمل و انجام کاری آسان‌تر (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۰).

تمایز بین مؤلفه‌های این مفهوم در روان‌شناسی و منابع اسلامی به شرح ذیل است:

- هدف‌مداری: اگرچه در هر دو منبع و تعاریف مربوط به این مفهوم، از هدف‌مداری به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین

مؤلفه‌ها نام برده شده و ثبات قدم، وقتی معنا پیدا می‌کند که در راه رسیدن به یک هدف باشد، ولی تفاوت در این است که براساس منابع شناختی، ثبات قدم در راه رسیدن به هر هدفی معنا پیدا می‌کند. براین‌اساس، هدف لازم نیست حتماً مورد پسند باشد. همچنان‌که شکارچی‌ها، تروریست‌ها و اختلاس‌کننده‌ها، ممکن است از خود پشتکار و ثبات قدم نشان دهند (لوپز، ۲۰۰۹، ص ۶۷۸). ولی براساس منابع اسلامی، هدفی ارزش‌پیگیری دارد که مبتنی بر ارزش‌های الهی باشد و هرچقدر از هدف‌مداری الهی کاسته شود، اعتبار ثبات قدم در آن عمل هم پایین خواهد آمد.

پایبندی به ارزش‌ها: یکی از مؤلفه‌های مورد توجه در منابع اسلامی، لزوم ثبات قدم براساس آموزه‌های اسلامی

است که توسط خداوند، پیامبر ﷺ، اهل‌بیت علیهم‌السلام و قرآن، برای انسان‌ها بیان می‌شود. این مؤلفه، در منابع روان‌شناختی جایگاهی ندارد، ولی براساس منابع اسلامی، از جایگاه ارزش‌مدارانه برخوردار است.

یقین: یقین را می‌توان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ثبات قدم اسلامی محسوب کرد که به معنای نداشتن شک و

تردید و دودولی در انتخاب و انجام عمل است. از این مؤلفه، در منابع روان‌شناختی به‌عنوان مؤلفه بحث نشده است،

اگرچه در آسیب‌شناسی ثبات قدم، به‌عنوان یکی از موانع ثبات قدم نام برده می‌شود (چیکسنت‌میهایلی، ۲۰۰۶، ص ۳۹).

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية فى غريب الحديث والأثر*، تحقیق محمود طناحی، قم، اسماعیلیان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن مسکویه رازی، احمدبن محمد، ۱۴۲۶ق، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، تحقیق عماد هلالی، بی‌جا، طلیعه النور.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار صادر.
- بستانی، فؤاد افراهم، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، تحقیق رضا مهیار، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- پسندیده عباس، ۱۳۸۶، «درآمدی بر روش شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، *علوم حدیث*، سال دوازدهم، ش ۳ و ۴، ص ۸۸-۱۰۹.
- پیترسون، کریستوفر و مارتین. ای. پی. پیترسون، ۱۳۹۵، *فضایل و توانمندی‌های شخصیت: کتاب راهنما و طبقه‌بندی*، ترجمه کورش نامداری و دیگران، اصفهان، پارمانا.
- جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۹۳، *تسبیح، تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقرن.
- رهنمایی، سیداحمد، ۱۳۸۳، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- سرمه زهره و دیگران، ۱۳۹۵، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگه.
- شجاعی، محمصدق و دیگران، ۱۳۹۳، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۵، ص ۳۸۷.
- شجاعی، محمصدق، ۱۳۹۲، *دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صدر، رضا، ۱۳۷۷، *استقامت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۳، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عباسی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های لذت‌بری سعادت‌نگر براساس منابع اسلامی: تدوین یک مدل مفهومی»، *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ش ۷، ص ۱۲۷-۱۶۱.
- فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، هجرت.
- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، قم، هجرت.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مشکینی، علی، ۱۴۲۴ق، *تحریر المواعظ العددیة (فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین)*، چ هشتم، قم، الهادی.

- مصباح، مجتبی، ۱۳۸۲، *بنیاد اخلاق (روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن (معارف قرآن ۷)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۳، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی و تئوون حکمت عملی*، تهران، ذکر.
- معین، محمد، ۱۳۶۰، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- موسوی لاری، مجتبی، ۱۳۷۶، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، چ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۲، *تسرح حدیث جنود عقل و جهل*، چ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نراقی، ملامهدی، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، قم، هجرت.
- واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۸۷، *المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته*، مشهد، آستان قدس رضوی.

- Babbie, E, 2011, *The Basic of Social Research*, USA, Wadsworth, Cengage Learning.
- Csikszentmihalyi, M., & Csikszentmihalyi, I. S. (Eds.), 2006, *A life worth living: Contributions to positive psychology*, New York, NY: Oxford University Press.
- Duckworth, A. L., Peterson, C., Matthews, M. D. & Kelly, D. R., 2007, "Grit: Perseverance and Passion for Long-Term Goals", *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 92, n. 6, 1087-1101.
- Duckworth, A. L., QUINN, p D, 2009, "Development and Validation of the Short Grit Scale (Grit-S)", *Journal of Personality Assessment*, n. 91(2), p 166-174.
- Joseph, Stephen, 2015, *Positive Psychology in Practice*, Hoboken, NJ: Wiley.
- Lopez S. J, & C. R. Snyder, 2007, *Positive Psychology The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*, London, Sage Publications India Pvt. Ltd.
- Lopez, S. J. (Ed.), 2009, *The encyclopedia of positive psychology*, New York, NY:Wiley-Blackwell.
- Lucas. Gale M, Jonathan Gratch, Lin Cheng, Stacy Marsella, 2015, "When the going gets tough: Grit predicts costly perseveranc", *Journal of Research in Personality*, n. 59, p 15-22
- Seligman, M. E. p & Peterson, C, 2004, *Character strengths and virtues: A handbook and classification*, Oxford, England, Oxford University Press.
- Seligman, Martin, Csikszentmihalyi, Mihaly, 2000, *Positive psychology: An introduction*, American psychologist.
- Turnbull, J.& E All, 2010, *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, Oxford University Prees.